

## تدفین به مثابه یک پدیده بوروکراتیک آیین‌های مرگ در بهشت‌زهرآ-تهران

جبار رحمانی<sup>۱</sup>

هاجر قربانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۷

### چکیده

بهشت‌زهرای تهران از مکان‌هایی است که به واسطه مواجهه با نظام صنعتی-سرمایه‌داری و مدرنیته شهری در چند دهه اخیر، ماهیت ابتدایی خود را به یک سازمان تغییر داده است. سازمانی شدن موجب تغییراتی در برگزاری آیین‌های مرگ از زمان تبدیل بدن به جسد تا پایان خاکسپاری شده است. در این پژوهش، با تکیه بر مفاهیم بوروکراسی وبر و تقسیم کار اجتماعی دورکیم و با استفاده از روش‌های میدانی (مشاهده، مصاحبه) سعی شده است با فهم چنین تغییری، در مکان مرتبط با مرگ در تهران، به شناخت و تجربه مدرن جامعه ایرانی در مواجهه با آیین‌های مرگ و همچنین تغییرات آن از دوران سنتی به دوران معاصر دست یافت. پس از توصیفات مراحل انجام آیین‌های مرگ در مجموعه عروجیان، واقع در سازمان بهشت‌زهرآ، نشان داده شده است آیین‌های مرگ در دو الگوی پیشامدرن و مدرن برگزار می‌شدند. الگوی اول مبتنی بر عقلانیت ارزشی- یعنی ارزش‌های دینی و ثواب اخروی- بود، اما امروزه در الگوی مدرن برگزاری این آیین‌ها مبتنی بر عقلانیت ابزاری برای بوروکراسی سازمان بهشت‌زهرآست که تخصصی شدن و یک تقسیم اجتماعی کار را با خود به همراه داشته است. برخی دگرگونی‌ها، حذف و اضافه شدن بخش‌هایی از سنت‌های مناسک تدفین که مبتنی بر پیوندهای شخصی و نزدیک افراد با متوفی بوده است، ناشی از ظاهر شدن یک تجربه نو در نظام شهری مدرن تهران است که می‌توان آن را بوروکراتیک شدن پدیده تدفین مبتنی بر روابط ناشناس و تقسیم کار ارگانیک نام برد. این مسئله به شکل‌گیری تغییرات فرهنگی در تجربه منجر شده و درک جدیدی از تدفین و مسئله متوفی و مرگ را به همراه داشته است.

واژه‌های کلیدی: آیین‌های مرگ، بوروکراسی، بهشت‌زهرآ، تقسیم کار اجتماعی، فرهنگ، گورستان.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (نویسنده مسئول)، rahmani@s3c.ir

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران،

Hajar.ghorbani64@gmail.com

## مقدمه

آیین‌ها به‌طور عمومی بنیادی‌ترین ارزش‌های یک جامعه را بازتاب می‌دهند. در این میان، آیین‌های تدفین نیز که در ارتباط با یکی از مسائل زندگی فردی و جمعی انسان هستند، نه‌تنها برای بازماندگان متوفی امکان عبور از بحران مرگ را آسان می‌کنند، بلکه نوع مواجهه افراد را با این رویداد هموار می‌کنند. آیین‌های مرگ به‌جای در انزوا قرار دادن و تنهایی، انسان را در برابر رویدادهای روزمره قابل‌قبولی قرار می‌دهند که بر طبیعی بودن مرگ تأکید و چگونگی رفتار مناسب را تعریف می‌کنند. همچنین، این آیین‌ها به بیان احساسی کمک می‌کنند که در صورت نبود آن‌ها، احساسات از بیان بازمی‌مانند (کاسلز، ۲۰۰۵: ۲۲۸). براین اساس، فهم رویداد مرگ و آیین‌های وابسته به آن اهمیت دارد که می‌توان به‌واسطه مطالعه و درک مفاهیم مرتبط با آن به شناخت بخشی از جامعه دست یافت. اگر تغییرات جامعه علت تغییرات آیین‌ها در نظر گرفته شود، تغییر نظام دینی، باورها و مذهب در جامعه نیز از علل تغییر آیین‌های شکل‌گرفته در آن جامعه محسوب می‌شود.

فرهنگ جامعه ایرانی نیز در مواجهه و گذر تاریخ با دین‌ها، باورها، اندیشه‌ها و مناسک متفاوتی همراه شده است. نتیجه این تغییرات در دوران معاصر تشکیل یک نظام اسلامی-شیعی است که در ابعاد مختلف زندگی مردم متجلی شده است. یکی از مهم‌ترین این ابعاد آیین‌های مرگ است. همچنین، میراث سنتی فرهنگ ایرانی-شیعی در دوره مدرن، دچار تحولاتی عمیق در فرم و محتوای خود شد. این فرهنگ نیز همچون دیگر فرهنگ‌ها در نقاط مختلف جهان با ترکیب نظام صنعتی-سرمایه‌داری و مدرنیته شهری با تغییرات و پیچیدگی‌های بزرگی در دهه‌های اخیر روبه‌رو شده است. نظریه‌پردازان در حوزه اجتماعی و فرهنگ اغلب واژه «مدرن» را ساختاری اجتماعی و فرهنگی تلقی کرده‌اند که در آن فرایندهایی چون «تفکیک‌پذیری نهادی، عقلانیت، شهرنشینی، صنعتی‌شدن، دموکراتیک‌شدن، رشد فردیت یا استقلال و آزادی فردی و تقسیم کار اجتماعی» رخ داده است (فاضلی، ۱۳۹۳: ۱۳). به‌عبارتی، هر آنچه در چند دهه اخیر در یک نظام ساده فرهنگی به‌صورت بدیهی انجام می‌گرفت (بیشتر مردم در اجتماعات کوچک زندگی می‌کردند و نیازی به تخصص‌های پیچیده نبود)، در دوران معاصر با پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های آشکاری صورت می‌پذیرد. در نتیجه، امروزه جامعه برای درک و فهم آنچه در گذشته نه چندان دور بر آن تسلطی ضمنی داشت، نیازمند همکاری، همیاری و آموزش است که گاه مشاهده می‌شود نه‌تنها از عهده انجام‌دادن آن به‌صورت فردی بر نمی‌آید، بلکه نیازمند گونه‌ای از تقسیم کار نیز شده است. به‌عبارت

دیگر، یکی از ویژگی‌های اصلی دوره مدرن تقسیم اجتماعی کار و گسترش فرایندهای عقلانیت ابزاری در ساماندهی زندگی است. نهادها و فرایندهای مدرن از جمله بوروکراسی، به‌نوعی تجلی این عقلانی‌شدن ابزاری و تقسیم اجتماعی کار هستند. تغییرات ناشی از تجربه تجدد در همه وجوه زندگی مردم مؤثر بوده است. تغییرات در چگونگی برپایی آیین‌های مرگ نیز با توجه به نظام فرهنگی خرد و کلان حاضر در جامعه ایرانی قابل مشاهده است.

آیین‌های مرگ را می‌توان از وجوه مختلف بررسی کرد. مسئله مهم در این پژوهش، تأثیر تجربه تجدد ایرانی بر آیین‌های مرگ است. تجربه تجدد در سنت ایرانی نه‌تنها مولد عناصر، نهادها و نظام‌های معنایی جدید در زندگی ایرانیان بوده است، بلکه بازناندیشی و نوآوری در نهادها و فرایندها و نظام‌های معنایی سنتی ایجاد کرده است (فاضلی، ۱۳۹۳). در این بازناندیشی، نوعی بازسازی خلاقانه سنت‌ها و آیین‌های سنتی مشاهده می‌شود که از یک‌سو نشان‌دهنده نوعی تداوم و پیوستگی با میراث سنتی خود است و از سوی دیگر نوعی بازآرایی عناصر صوری، محتوایی و نوآوری در آن‌ها برای انطباق با زمینه و زمانه جدید دیده می‌شود. از این منظر، فهم بازسازی بازنایشانه در آیین‌های ایرانی موضوعی مهم برای مطالعات آیینی و فرهنگی در ایران است. در این میان، به تجربه تجدد در آیین‌های مرگ به‌ویژه آیین‌های تدفین توجه کمتری شده است. گویی مرگ همچنان به جهان سنت تعلق دارد و مرگ و آیین‌های آن همچنان از تغییر دورند، اما از آنجاکه مرگ بخشی از زندگی و حیات اجتماعی است و آیین‌های مرگ یکی از دینامیسم‌های فرهنگی کلیدی برای برساخت زندگی جمعی است، می‌توان گفت آیین‌های مرگ نیز در مواجهه با تجربه تجدد تغییراتی داشته‌اند. پژوهش حاضر به دنبال فهم مواجهه آیین‌های مرگ و تجربه تجدد است. پیامدهای این مواجهه چه بوده و چه تأثیری بر فرم و محتوا و دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی این آیین‌ها داشته است؟ برای پاسخ به این مسئله، آیین‌های تدفین در عروجیان بهشت‌زهرای تهران به‌عنوان مطالعه موردی بررسی شده است.

## مرور ادبیات

محققان در دوران معاصر با رویکردهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی مرگ را در جوامع غربی مطالعه کرده‌اند. در این میان، فقط برخی از انسان‌شناسان در مطالعات خود اشاراتی کوتاه به آیین مرگ در اسلام داشته‌اند (برگمن: ۲۰۱۰؛ روزن: ۲۰۰۸؛ داویس: ۲۰۰۲؛ کاسل: ۲۰۰۴). فیلیپ آریس از معدود محققانی است که در کتاب تاریخ مرگ علاوه بر مسائل همزمانی و درزمانی

تاریخ مرگ اروپا، به تغییرات مرگ در دوران صنعتی اروپا توجه نشان داد. در انگلستان نیز تونی والتر (والتر، ۲۰۰۸؛ ۱۹۹۹؛ ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۳؛ ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۶) به طور جدی به مرگ و مفاهیم مرتبط با آن در میدان تحقیق خود یعنی جامعه انگلیس پرداخته است. در ایران نیز مطالعات بیشتر در زمینه معرفی گونه‌های عزاداری در فرهنگ‌های متفاوت ایرانی بوده است. برخی نیز در چند سال اخیر مفهوم مرگ، نگرش افراد به مرگ خویش و بررسی جامعه‌شناختی تجربه مرگ در بیماران را مد نظر داشته‌اند (کریمی، ۱۳۸۵؛ یوسفی، ۱۳۹۰؛ علیزاده اقدم و ایزدی جیران، ۱۳۹۱؛ زمانی مقدم، ۱۳۹۳؛ تسلیمی تهرانی، ۱۳۹۴). به عبارتی، تاکنون تأکید مطالعات بر یافتن معنا و مفهومی برای رویداد مرگ بوده است و توجه چندانی به آیین‌های مرگ، تغییرات آن و چگونگی انجام‌دادن آن‌ها در نظام فرهنگی ایرانیان نشده است.

همان‌طور که اشاره شد، مسئله یادشده در این پژوهش با استفاده از مطالعه میدانی در سازمان بهشت‌زرها که مهم‌ترین و فعال‌ترین گورستان تهران است و محیط «عروجیان» یعنی محل برگزاری آیین‌های تدفین و با توجه به مفاهیم تقسیم اجتماعی کار و بوروکراسی و با تمرکز بر ابعاد مختلف آیین‌های مرگ یعنی مراحل آماده‌سازی جسد برای تدفین اعم از تطهیر، تکفین، نماز و تلقین بررسی شده است. در واقع، مسئله محوری این پژوهش سه وجه و بعد کلیدی آیین‌های مرگ و تدفین است که شامل موارد زیر می‌شود: ۱. کنترل و بازتوزیع فضاهای عاطفی تدفین، ۲. فرایندهای اداری سازمان مرگ که بخشی از آن نیز شامل نقش متولیان این آیین‌ها در الگوی یک نظام سازمانی است و ۳. گونه‌ای از تقسیم اجتماعی گورستان (تولید اجتماعی قبور). فهم و تحلیل مواجهه آیین‌های تدفین با تجربه تجدد مستلزم درکی روشن از مفاهیم کلیدی مانند تقسیم اجتماعی کار و بوروکراسی است که در این پژوهش بر بعد دوم یعنی فرایندهای اداری سازمان مرگ در عروجیان بهشت‌زرها تأکید می‌شود.

## چارچوب مفهومی و نظری

در پژوهش حاضر به مدل نظری دورکیم رجوع شده است؛ زیرا مطالعات فرهنگی مرگ در میان نسل دوم انسان‌شناسانی نظیر ون جنپ و هرتر نیز متأثر از سنت فکری اوست<sup>۱</sup> (رابین، ۲۰۰۴: ۱).

۱. مطالعات مرگ بعد از این انسان‌شناسان متوقف شد. در سال‌های اخیر، نسل‌های جدید با مطالعات میان‌فرهنگی و متأثر از دورکیم دوباره این پژوهش‌ها را انجام داده‌اند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب *Death, Burial and Mourning* اثر Antonius و مقاله "The Sociology of Death" اثر Tony Walter.

درواقع، همان‌طور که مطالعات و اندیشه‌های دورکیم در تلاش برای نشان‌دادن «...» تفوق امر اجتماعی بر امر فردی است [...]» (ریتزر، ۱۳۹۳: ۱۱۵) و بر پدیده‌های انسانی در اجتماع تأکید می‌ورزد، انسان‌شناسان بعد از دورکیم نیز در مطالعه آیین‌های مرگ از چنین رویکردی الگوبرداری کرده‌اند و تاکنون به‌دنبال نشان‌دادن کارکرد این آیین‌ها در میان افراد جوامع بوده‌اند تا به شناخت بهتری دست یابند.<sup>۱</sup>

دورکیم برای تحلیل و دستیابی به یک تبیین، هر پدیده‌ای را به‌مثابه امری اجتماعی در نظر می‌گیرد و معتقد است جریانات اجتماعی را می‌توان برحسب تعامل میان افراد تبیین کرد (همان). همچنین، وی بیان می‌کند تقسیم کار چنان عمومی شده است که امری بدیهی شناخته می‌شود و بر کسی پنهان نیست؛ یعنی صنعت در این دوران به ساخت و گروه‌بندی‌های بزرگ نیازمند است که به حد اعلائی از تقسیم کار گرایش دارد. او در ادامه بیان می‌کند «نه تنها در درون کارخانه‌ها مشاغل از هم جدا و بی‌نهایت تخصصی‌اند بلکه خود هر کارخانه هم به‌نوبه خویش واحدی تخصصی است که وجودش مستلزم وجود واحد تخصصی دیگری است» (دورکیم، ۱۳۹۲: ۲۴۴). این تقسیم کار در نظام شهری متأثر از صنعتی‌شدن، به زعم وبر نیازمند ساختاری عقلانی است که شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. در نگاه او، بهترین نوع این نظام عقلانی، بوروکراسی است. «...» بوروکراسی نوع ناب نوعی سازمان است. واحدهای اصلی آن اداری است که به‌صورت سلسله‌مراتبی با قواعد و وظایف و اسناد مکتوب و وسایل اجبار سازمان یافته است [...]» (ریتزر، ۱۳۹۳: ۱۸۷). وبر معتقد است سازمان بوروکراتیک در جامعه امروزی که با صنعت درآمیخته است، از کارآمدترین نوع سازمان‌ها محسوب می‌شود (صبوری، ۱۳۹۱: ۶۱). بوروکراسی، که دیوان‌سالاری نیز نامیده می‌شود، بنابر نظریات وبر بر پایه اصول عقلایی سازمانی شکل گرفته است و سلسله‌مراتبی از ویژگی‌های اصلی یک سازمان است که با ضوابط غیرشخصی عمل می‌کنند (کوزل، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

در تهران، در کنار نوسازی شهر و عناصر زندگی روزمره، شاهد مدرنیزاسیون و مدرن‌کردن گورستان و مرگ نیز بوده‌ایم؛ یعنی مسئله مرگ و آیین‌های آن نیز متأثر از تحولات نوسازی و مدرنیته ایرانی بوده‌اند. درواقع، با ورود سیستم صنعتی و نظام بوروکراتیک مدیریت امور

۱. دورکیم در کتاب *صور بنیانی حیات دینی* و در بخش آیین‌های کفاره‌ای علت شیون و فریادهای اطرافیان متوفی در زمان خاکسپاری را صرف طغیان‌های خودجوش نمی‌داند، بلکه معتقد است هنگامی که فردی می‌میرد نه تنها خانواده ضعیف می‌شود، بلکه کل طایفه، عضو و بخشی از نیروی خود را از دست می‌دهد. پس طایفه با برگزاری آیین‌ها سعی در تجدید حیات و تأیید مجدد دارد (پالس، ۱۳۸۲).

کلان‌شهرها گورستان‌ها نیز از شکل اولیه خود خارج و به سازمانی دولتی تبدیل شده‌اند. سازمان بهشت‌زهرای تهران نمونه کامل یک سازمان بوروکراتیک شده است. با توجه به افزایش مرگ در تهران روزانه بیش از پانزده هزار نفر به این گورستان مراجعه می‌کنند تا عزیز از دست‌رفته خود را به خاک بسپارند (مصاحبه شخصی، کارگر، بهشت‌زهرای، ۱۳۹۴). به دلیل این حجم وسیع مراجعه‌کننده و به تبع آن پیچیدگی‌های مرتبط با سازماندهی و مدیریت، آن هم در شرایط روحی آشفته مراجعه‌کنندگان، انجام‌دادن مناسک به نظامی منسجم و عقلانی نیاز دارد. البته از منظر دورکیمی، تراکم بالای کمی جمعیت نیز متضمن و مستلزم نوعی تفکیک و تقسیم کار است. براین اساس، برای مدیریت امور این حجم رفت‌وآمد در بهشت‌زهرای، به یک سیستم مدیریتی دقیق برای تسهیل و انجام‌دادن آیین‌های تدفین نیاز است. در پی تأسیس چنین نظامی، تقسیم کار اجتماعی نیز امری اجتناب‌ناپذیر و بدیهی است، اما باید در نظر داشت که توسعه و سیطره سیستم عقلانی و بوروکراتیک مدیریت گورستان ممکن است موجب تحول و تغییر در نظام فرهنگی و آیینی مرگ شود. همان‌طور که مطرح شد، این پژوهش تأثیرات نظام اداری انجام‌دادن تشریفات تدفین و امور اداری و آیین‌های مرتبط با آن را بر نوع انجام‌دادن مناسک و کارکردهای آن بررسی می‌کند.

### میدان مطالعه؛ سازمان بهشت‌زهرای تهران

اولین اقدامات و تلاش برای احداث یک گورستان متمرکز در کلان‌شهر تهران، به واسطه رشد شهرنشینی با برنامه توسعه در ایران، در دهه ۱۳۴۰ صورت پذیرفت؛ یعنی زمانی که در تهران برنامه‌های تجدد در فضای شهر برنامه‌ریزی می‌شد، گورستان بهشت‌زهرای نیز - که طرح، اجرا و احداث آن توسط شهردار وقت و معاونان وی در سال ۱۳۴۵ در دستور کار قرار گرفته بود - به صورت ناخودآگاه رشد می‌کرد. وسعت قطعه زمین مدنظر برای این فضا ابتدا ۳۱۴ هکتار برای مدت سی سال بود. با افزایش جمعیت و مرگ‌ومیر در تهران، سازمان بهشت‌زهرای ناگزیر شد در سال ۱۳۷۶ توسعه گورستان را در دستور کار خود قرار دهد؛ بنابراین، از ضلع شمال و شمال شرقی ۱۱۰ هکتار به آن افزوده شد. اما با توجه به پرشدن این فضا، در دور دوم طرح توسعه ۱۶۰ هکتار دیگر در ضلع شرقی به فضای گورستان اضافه شد که فقط پاسخگوی ده سال برای ساکنان در تهران بوده است.

در حال حاضر، وسعت بهشت‌زهرای تهران ۴۲۴ هکتار است که بخش اعظم آن را فضای سبز

تشکیل می‌دهد. همچنین، این گورستان به‌صورت عام دارای ۱۶۴ قطعه است. ۱۲ هکتار از فضای گورستان، یعنی ۱۴ قطعه، برای دفن شهدا و ۴ قطعه نیز برای دفن والدین آن‌ها در نظر گرفته شده است. از قطعه‌های دیگر می‌توان به قطعه‌های عمومی سه طبقه، دو طبقه، قطعات غیرجاری، هنرمندان و نام‌آوران، اصحاب رسانه و قطعه اهدای عضو و آرامگاه‌های خانوادگی اشاره کرد. همچنین، بهشت‌زرها از اوایل دهه ۱۳۷۰ با توجه به رشد جمعیت و در پی آن افزایش بی‌رویه مرگ، برای تسهیل پرداختن به مناسک تدفین با رویکردی جدید یعنی سازمانی شدن گورستان، به‌صورت رسمی آغاز به فعالیت کرد.

سازمان به مکانی اطلاق می‌شود که «[...] دارای استمرار بوده و یا وظایف معین را در محدوده قوانین و مقررات اجرا می‌کند. استمرار و تداوم در سازمان‌ها با استفاده از نگهداری سوابق اقدامات، تصمیمات و مقررات به‌صورت کتبی تأمین می‌شود. سازمان مشاغل براساس سلسله‌مراتب است. حدود اقتدار در این سلسله‌مراتب سازمان صریحاً تعریف شده است و حقوق و وظایف مقامات رسمی در هریک از سطوح سلسله‌مراتب سازمان تعیین گردیده است [...]» (صبوری، ۱۳۹۱: ۱۱۳). براین‌اساس، به گورستانی که پیش از این فقط در یک ساختمان با نام «غسالخانه»، در دو بخش زنانه و مردانه، فعالیت می‌کرد، یک ساختمان اداری اضافه شد (مصاحبه شخصی، پورناصرانی، ۱۳۹۴). با رشد تجدد و شهرنشینی در کلان‌شهر تهران در دوران متأخر و با توجه به میانگین مرگ (یعنی روزانه ۱۵۰ نفر از شهرنشینان و ورود بیش از ۱۵ هزار نفر از بازماندگان به فضای گورستان)، این سازمان برای ارائه خدمات مناسک تدفین - که از دشوارترین خدمات سازمان برشمرده شده است - در سال ۱۳۹۱ مجموعه‌ای اداری و با ساختار جدید و مدرن با نام «عروجیان» با اهداف برگزاری آیین‌های مرگ، حفظ و نگهداری محیط‌زیست و رعایت مسائل بهداشتی به سازمان بهشت‌زرها اضافه کرد که میدان اصلی مطالعه پژوهش حاضر است.

مطالعه میدانی<sup>۱</sup> در سازمان بهشت‌زرها و با تمرکز بر مجموعه عروجیان به مدت ۹ ماه<sup>۲</sup> با مشاهدات مستقیم از تمامی مراحل انجام‌دادن آیین‌های مرگ یعنی پذیرش، تطهیر، تکفین، نماز،

۱. داده‌های ما از مشاهده نگارنده در روند برگزاری آیین‌های تدفین در الگوی سنتی و در شهرهایی نظیر اصفهان و شیراز و برخی روستاها به‌دست آمده است. همچنین، مصاحبه با برخی از افراد مسنی که تجربه مواجهه با چنین آیین‌هایی را در دوران گذشته داشته‌اند یا از بزرگان خود به‌عنوان خاطره شنیده‌اند نیز به این پژوهش اضافه شده است. در نتیجه، این روند توصیف‌شده لزوماً منطبق با کلیشه‌های مندرج در کتب دینی نیست. همچنین، داده‌های متعلق به الگوی مدرن بیانگر روندی است که در شرایط فعلی به‌عنوان امور اداری مربوط به تدفین باید انجام گیرند.

۲. حضور در این میدان، به‌دلیل تغییرات پی‌درپی و به‌روزرسانی سازمان در انجام‌دادن خدمات، همچنان ادامه دارد.

تلقین و خاکسپاری انجام گرفت. همچنین، در این زمان ملاقات و گفت‌وگو با مدیرکل سازمان بهشت‌زهرا، دیدار با واحد آمبولانس، مصاحبه با کارکنان مجموعه یعنی مدیر عروجیان، مباشرها، تطهیرکنندگان، ناظران شرعی، روحانیون و خاکسپاران با دستگاه ضبط صدا و ثبت نوشتاری آنها انجام گرفت. البته به دلیل موقعیت حساس این مجموعه و حفظ ارزش‌های دینی، فرهنگی و راحتی کارکنان و بازماندگانی که در محیط حضور داشتند، امکان ثبت عکس و فیلم فراهم نشد.

### یافته‌ها: عقلانیت ارزشی و ابزاری در آیین‌های تدفین: شیوه‌های سنتی مشارکت در آیین‌های تدفین

فرایند تقسیم اجتماعی در آیین‌های مرگ در دو الگوی پیشامدرن و مدرن از طریق استقرار نهادهای تخصصی حول پدیده مرگ و تفکیک فضاهای این پدیده از سایر فضاهای کاری و زندگی قابل مطالعه است. منظور از تقسیم اجتماعی در آیین‌های مرگ این است: چه کسانی، با چه اهدافی و چگونه در برپایی این مناسک دخیل بوده‌اند و سازمانی شدن تدفین چه پیامدهایی در درک ما از آیین‌های تدفین دارد؟ براین اساس، مطالعه الگوی پیشامدرن به ما در چگونگی شکل‌گیری آیین‌های تدفین، فهم نظم این آیین‌ها و درک انسان‌ها از پدیده مرگ کمک می‌کند. مطالعات میدانی نشان می‌دهد منطق شکل‌گیری این تقسیم اجتماعی در دو الگوی ذکرشده، یعنی الگوی فرهنگ سنتی و مذهبی - که نزدیکان بیشترین نقش را در انجام دادن آیین‌های تدفین بر عهده دارند و ما شاهد کمترین تفکیک متخصصان در نظام آیینی تدفین هستیم و کماکان قابل مشاهده است - و الگوی شهرهای مدرن، که در کلان‌شهرها حضور دارد، بر پایه دوگانه عقلانیت ارزشی / ابزاری است.

### الگوی فرهنگ سنتی و مذهبی بر پایه عقلانیت ارزشی است

در الگوی جوامع سنتی (روستاها، شهرهای کوچک) که عاری از نظام صنعتی-سرمایه‌داری بوده است، بیشتر مردم در جوامع کوچکی که به نظام سازمانی پیچیده‌ای نیاز نداشت زندگی می‌کردند. در این میان، نظام فرهنگی مرگ نیز از این قاعده مستثنی نبود. اگر زندگی فردی از یک خانواده در جوامعی مانند عشایر یا روستا و حتی در شهرهای کوچک فاقد نظام صنعتی و تلفیق نیافته با پدیده مدرنیته پایان می‌یافت، جسد به گورستان نزدیک انتقال می‌یافت و پس از تطهیر و تکفین توسط نزدیکان، طی مراسمی ساده به خاک سپرده می‌شد. وجود انواع شناسنامه‌های بدون مهر فوتی و



همچنین تدفین نوزادان فوت‌شده در حیاط خانه‌ها (مصاحبه شخصی، ستوده، ۱۳۹۴) شاهدی بر این ادعاست که گورستان‌ها عاری از هرگونه نهاد اداری و سازمانی بودند. به‌عبارت دیگر، در چنین جوامعی مردم برای انجام‌دادن کارهای روزمره خود به تخصص نیازی نداشتند (صبوری، ۱۳۹۱: ۶۵) و می‌توانستند بدون حضور سازمان یا سازمان‌هایی، که منشأ آن‌ها بوروکراسی بود، به کارهای خود رسیدگی کنند.

عقلانیت ارزشی متعلق به این دوران است که می‌توان منشأ آن را باورهای دینی در فرهنگ ایرانی-شیعی در نظر گرفت. این باورهای دینی در رفتارهای افراد، که مبتنی بر مستحبات دینی و دارای ثواب دنیوی و اخروی هستند، متجلی می‌شوند؛ برای مثال، تطهیرکردن از حرفه‌های انبیا و بزرگان دینی است یا تطهیر چهار جسد در باورهای اسلامی مستحب است و ثواب بسیاری دارد (مصاحبه شخصی، تطهیرکنندگان، ۱۳۹۴). حتی اکنون که در دوران مدرن قرار داریم و انجام‌دادن آیین‌های مرگ براساس عقلانیت ابزاری انجام می‌گیرد، تقریباً همه داده‌رسان‌ها (تطهیرکنندگان، ناظران شرعی، کارمندان) که به فعالیت خود به‌عنوان یک منبع درآمد اقتصادی و معیشت زندگی نگاه می‌کنند، بر مواردی همچون مستحبات و ثواب اخروی صحنه گذاشته‌اند که خود تأییدی بر وجود عقلانیت ارزشی در گذشته است. در الگوی سنتی، بازماندگان در انجام‌دادن امور نقش اصلی را بر عهده داشتند و در یک تقسیم‌بندی اجتماعی از پیش تعیین‌نشده امور مرتبط با آیین‌های مرگ را انجام می‌دادند. در دوران مدرن در مقابل عقلانیت ارزشی اشاره‌شده، یک عقلانیت ابزاری وجود دارد که برخلاف قبلی ریشه در تجربه تجدد دارد؛ یعنی بازماندگان دیگر هیچ نقشی در برگزاری آیین‌ها بر عهده ندارند و فرصت انجام‌دادن آن‌ها نیز در این فضا وجود ندارد.<sup>۱</sup> در عوض، افراد درگیر با این آیین‌ها فقط با توجیحات عقلانی مبتنی بر اقتصاد به این امور می‌پردازند نه باورهای دینی که نشئت‌گرفته از عقلانیت ارزشی است (مصاحبه شخصی، نیک‌مرام، بهشت‌زهره، ۱۳۹۴).

مطالعات اسنادی مرتبط با فرهنگ ایرانی، مشاهدات آیین‌های تدفین در شهرهایی نظیر اصفهان و شیراز و روستاهای اطراف این دو شهر و مصاحبه با برخی از ساکنان در روستاها و شهرهای سنتی نشان می‌دهد که در فرهنگ سنتی مرگ فرد در خانه خود یا نزدیکانش رخ می‌داد. حتی آریس نیز در کتاب تاریخ مرگ به چنین مرگ‌هایی در دوران پیش از صنعتی‌شدن اروپا اشاره می‌کند (آریس، ۱۳۹۲: ۶۴)؛ یعنی مرگ چه از نوع طبیعی و چه بر اثر بیماری در منزل اتفاق

۱. هرچند مجتمع عروجیان سالنی با نام «سالن تبرعی» ایجاد کرده است، دیگر انگیزه‌های قبلی مبتنی بر عقلانیت ارزشی و مهارت کافی برای تطهیر وجود ندارد. همچنین، ترس از پدیده مرگ و جسد این نزدیکی را سلب کرده است.

می‌افتاد و محضر آخرین لحظات زندگی‌اش را در کنار نزدیکانش سپری می‌کرد. در چنین فضایی، کنش فیزیکی-عاطفی میان بازماندگان و محضر به صورت متناوب انجام می‌گرفت؛ زیرا خبری از نظام‌های سازمانی همچون بیمارستان، پزشک و پرستار نبود. با توجه به نکات ذکرشده، از اولین لحظات مرگ، آیین‌ها توسط بازماندگان و در کنار جسد شکل می‌گرفت. به‌عبارت دیگر، پس از بستن چشمان، دست‌ها و پاهای متوفی، پارچه‌ای با نقش ترمه روی آن می‌انداختند و آیین‌های اولیه همچون قرائت قرآن، شیون و سوگواری در کنار جسد انجام می‌گرفت. پس از باخبرکردن نزدیکان از رخداد مرگ، آیین تطهیر جسد با توجه به جنسیت آن توسط بازماندگان انجام می‌گرفت؛ برای مثال، اگر متوفی زن بود خواهر، مادر و دیگر زنان وابسته به متوفی جسد را آماده تطهیر می‌کردند (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۴۴). مکانی که جسد در آن تطهیر می‌شد متغیر بود؛ یعنی جسد یا در منزل متوفی یا در کنار رودخانه یا در یک اتاق کوچک واقع در گورستان محلی (گورستان درون‌شهری) که یک سنگ با نام «سنگ مرده‌شوی‌خانه» در آن قرار داشت، غسل داده می‌شد. در این شرایط، به‌دلیل ارتباط مستقیم بازماندگان با جسد، کنش فیزیکی-عاطفی‌ای شکل می‌گرفت که به‌مثابه آیین‌های همزمان با آیین‌های وابسته به جسد، یعنی غسل، بود. غسل جسد فقط توسط یک نفر انجام نمی‌گرفت، بلکه چند تن از وابستگان که تعلق خاطر بیشتری به متوفی داشتند، یکی پس از دیگری به‌صورت داوطلبانه، با هدف ثواب اخروی، ارضای عواطف و خداحافظی با عزیز ازدست‌رفته، جسد را شست‌وشو می‌دادند (مصاحبه شخصی، زارعی، ۱۳۹۳).

خانم زارعی بیان کرد طی زمان انجام‌دادن این مناسک عده‌ای از مردان نیز قبر را آماده‌سازی و مراسم خاکسپاری را هماهنگ می‌کردند. همچنین، چندین تقسیم‌بندی دیگر برای انجام‌دادن برنامه‌های مرتبط با مرگ وجود داشت که شامل پختن غذای پس از مراسم تدفین، نظافت خانه متوفی و آماده‌کردن چای، خرما و حلوا برای پذیرایی از سوگواران و بستگان می‌شد. جسد پس از غسل و تکفین در یک محیط زنانه، توسط مردان، به سمت محل خاکسپاری انتقال داده می‌شد.<sup>۱</sup> این بخش از اجرای مناسک که شامل نماز و تلقین و تدفین بود، بدون در نظر گرفتن جنسیت بر عهده مردان بود و در یک محیط مردانه و با همکاری یک یا چند فرد متقی در میان بازماندگان انجام می‌گرفت؛ یعنی فردی پرهیزگار از بستگان نماز و تلقین متوفی را به جا می‌آورد. اوج کنش‌های عاطفی میان بازماندگان زن و مرد توسط مداح، که خود از اطرافیان متوفی است، در زمان

۱. این آیین‌ها نیز در زمان مرگ مردها با تفکیک جنسیتی بیشتری انجام می‌گرفت؛ یعنی تطهیر، تکفین، نماز، تلقین و خاکسپاری با مشارکت مردان صورت می‌پذیرفت.

بازکردن صورت متوفی از کفن، خواندن تلقین و گذاشتن سنگ لحد مشاهده می‌شد. سپس سنگ لحد را در جای خود قرار می‌دادند و گور را با خاک پر می‌کردند. پس از اتمام خاکسپاری بستگان، با خواندن یک فاتحه، به دعوت خانواده متوفی به سمت منزل او برای صرف نهار حرکت می‌کردند (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۴۶). آقای ستوده که بیش از ۸۰ سال سن داشت، خاطره ثبت سند یا گواهی‌ای مبنی بر فوت و زمان مرگ و تدفین را به یاد آورد: «تاریخ فوت فرد متوفی مثل تاریخ تولد در ابتدای قرآنی که در خانه وجود داشت نوشته می‌شد به این معنا که گواهی یا سندی با نام امروزی شناسنامه وجود نداشت. پدرم در زمان تولد هریک از ما ناممان و تاریخی را که به دنیا آمده بودیم در کنار قرآنش می‌نوشت. خواهرهایم که به رحمت خدا رفتند نیز پدر پس از تدفین در کنار تاریخ تولد فوتشان را یادداشت می‌کرد» (ستوده، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۳).

برپایی بیشتر آیین‌های وابسته به جسد و آیین‌های همزمان با آن یعنی آماده‌کردن جسد برای تطهیر، عمل تطهیر، سوگواری‌ها و نهار پس از خاکسپاری در منزل متوفی صورت می‌گرفت. به‌عبارت دیگر، فضای عزاداری یک فضای آشنا و متعلق به فرد ازدست‌رفته بود که می‌توان آن را به‌مثابه خاطره‌مندی در یک مکان سنتی تعریف کرد که در آن شرایط اثری از سالن‌های نماز، سالن اجتماعات و سالن‌های غذاخوری متعلق به جوامع شهری در دوران معاصر نبود.

### الگوی فرهنگ معاصر شهر تهران و سیطره بوروکراسی و عقلانیت ابزاری

در فرهنگ معاصر ایران، به‌ویژه تهران، به‌واسطه پیچیدگی‌های نظام زندگی و مرگ، مکان‌هایی مرتبط با این پدیده مانند سردخانه‌ها، غسلخانه‌ها و به بیان دیگر تطهیرخانه‌ها، سالن‌های نماز و اجتماعات در گورستان به‌سرعت شکل گرفته‌اند و تدفین و آیین‌های مرتبط با مرگ را نسبت به گذشته، به‌دلیل درگیر شدن با عقلانیت ابزاری پیچیده‌تر ساخته‌اند. گورستان بهشت‌زهرها یا همان سازمان بهشت‌زهرها یکی از این نظام‌هاست که در منطقه جغرافیایی جنوب تهران قرار گرفته است. اینکه چرا یک مکان مرتبط با تدفین در نظام یک سازمان گنجانده شده است در بخش‌های بعد بررسی می‌شود. شایان ذکر است وجود یک نظم اجتماعی در پی افزایش مرگ و رفت‌وآمد بازماندگان در فضایی که مناسب و آیین‌های متعددی انجام می‌گیرد از الزامات دوران مدرن و به عهده سازمان‌هایی از جنس بوروکراسی است. در نظام بوروکراسی دقت، سرعت، عدم ابهام، آگاهی از پرونده‌ها، تداوم بصیرت، وحدت و فرمانبرداری کامل به حد بهینه می‌رسد (ویر، ۱۳۹۲: ۲۳۴) و بهشت‌زهرها از نمونه سازمان‌هایی است که رویکرد سازمانی خود را به‌واسطه تسهیل در امور شرعی، عرفی و قانونی متوفی و خانواده‌اش بر پایه چنین نظامی بنا کرده است.

در دوران معاصر، احتمال وقوع مرگ در بیمارستان بیش از فضای خانه است. آریس (۱۳۹۲) در کتاب تاریخ مرگ توضیح می‌دهد که مرگ در بیمارستان دیگر آیین‌های درخور فضایش را به همراه ندارد که فرد محتضر در میان اجتماع بستگانش قرار داشته باشد (آریس، ۱۳۹۲: ۹۳). در واقع، تغییر مکان فرد محتضر از منزل به یک محیط سازمانی یعنی بیمارستان، که از پدیده‌های مدرن محسوب می‌شود، از همان ابتدای رخداد مرگ موجب جدایی ارتباط میان بازماندگان و جسد می‌شود که این یکی از پیامدهای به‌وجود آمدن یک نظام مدرن در جوامع شهری است. به عبارت دیگر، بازماندگان فرصت جمع شدن در کنار بستر فرد و انجام دادن آیین‌های اولیه همچون قرائت قرآن، شیون و سوگواری را ندارند. منظور از نبودن فرصت برای انجام دادن آیین‌های یادشده این است که دیگر کنش فیزیکی و عاطفی مستقیم میان بازماندگان و جسد وجود ندارد و آریس آن را یک پدیده ابداع‌شده متأخر یعنی مدرن‌شدن می‌داند. از نظر وی، این شیون‌ها و عزاداری متأثر از مفهوم مرگ است نه قرارگرفتن در کنار فرد متوفی یا به‌یاد آوردن خاطره‌های او (همان: ۱۴۳).

بازماندگان پس از صدور گواهی فوت، برای انجام دادن آیین‌های وابسته به جسد با سازمان بهشت‌زرها تماس برقرار می‌کنند. با این تماس، گسستگی ارتباط فیزیکی-عاطفی بین بازماندگان و جسد آغاز می‌شود. جسد با ماشین‌های ویژه حمل و از همه مهم‌تر بدون حضور بازماندگان به گورستان بهشت‌زرها و سردخانه برای انجام دادن آیین‌های تطهیر، تکفین و خاکسپاری منتقل می‌شود. هرچند مکان حضور بازماندگان و جسد در گورستان بهشت‌زرها در مجموعه‌ای با نام «عروجیان» است، تفکیک‌های مکانی بین آن‌ها، یعنی بازماندگان و جسد، به‌گونه‌ای طراحی شده است که فرصت ارتباط فیزیکی-عاطفی را سلب می‌کند؛ برای مثال، در گذشته در فضای تطهیرخانه یک دیواره شیشه‌ای میان بازماندگان و جسد در حال تطهیر وجود داشت که فرصت کنش‌های عاطفی را در اختیار بازماندگان قرار می‌داد، اما امروزه این دیواره شیشه‌ای دقیقاً به همین دلیل، یعنی کنش‌های عاطفی‌ای<sup>۱</sup> که از سوی بازماندگان شکل می‌گیرد، بسته شده است. در نتیجه، این تفکیک مکانی به گسستگی ارتباط فیزیکی-عاطفی تا زمان اقامه نماز و حتی گاهی تا زمان خاکسپاری منجر شده است، در صورتی که در گذشته کنش‌های عاطفی بازماندگان به‌آسانی در تمام

۱. آیین تطهیر جسد یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل آیین‌های وابسته به جسد است. آنچه در این زمان رخ می‌دهد مشاهده بدن در شرایط برهنه و تطهیر است. گاهی جسد به دلایل مختلفی همچون مرگ‌های غیرطبیعی، وزن، سن و سال شرایط ظاهری مناسبی ندارد و کنش‌های عاطفی بازماندگان در برابر تطهیرکننده و تطهیرکننده در برابر بازماندگان نامناسب است. همچنین، شرعیات دینی شیون، گریه و کنش‌های فیزیکی را منع کرده است. این دلایل منجر شد شیشه بسته شود و اجازه هیچ‌گونه مشاهده و همراهی به جسد داده نشود.

مراحل آماده‌سازی جسد و حتی شرکت در انجام‌دادن برخی از این آیین‌ها آزادانه و بدون قطع‌شدن شکل می‌گرفت.<sup>۱</sup>

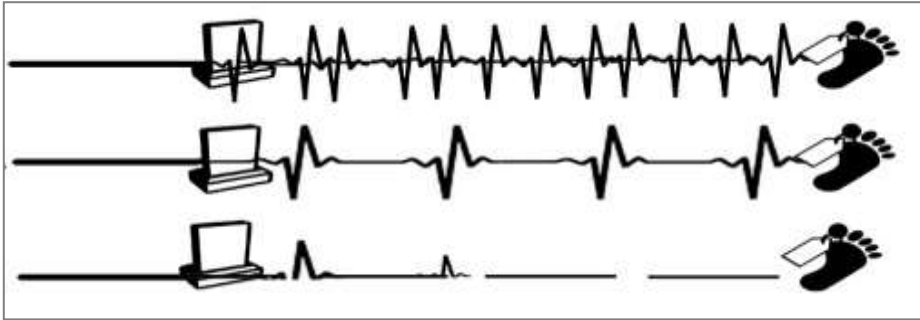
پس از تکفین نیز جسد با پوشش کفن، ترمه و تابوت به محل نماز منتقل می‌شود که بلافاصله پس از خوانده‌شدن نماز و بی‌وقفه با یک تشییع کوتاه‌مدت، به سمت ماشین حمل و به سمت مکان تدفین، بدون حضور بازماندگان انتقال داده می‌شود. انجام‌دادن این بخش از مناسک و انتقال برای خاکسپاری چنان با سرعت انجام می‌گیرد که فرصتی برای همراهی و ملاقات با جسد باقی نمی‌گذارد. در این لحظات، سوگواری در میان بازماندگان صورت می‌گیرد.

پس از وقفه‌ای تقریباً طولانی، ارتباط فیزیکی-عاطفی بین بازماندگان و جسد به‌طور محسوس‌تر، نسبت به زمان اقامه نماز، مشاهده می‌شود. مکان تدفین نیز با هماهنگی قبلی آماده شده است. مداح، یعنی کسی که آیین تلقین مرده را اجرا می‌کند، از طریق ابزار صوتی آیین سوگواری را آغاز می‌کند. در اینجا نیز مانند بسیاری از آیین‌های دیگر موسیقی و مجری آن یعنی مداح آغازگرند. به‌عبارت دیگر، مداح در یک زمان بسیار کوتاه<sup>۲</sup> با خواندن اشعار، ادعیه و صحبت درباره متوفی این فرصت را به بازماندگان می‌دهد که به جسد نزدیک‌تر شوند و کنش‌های فیزیکی-عاطفی خود را پس از وقفه‌ای دوباره از سر بگیرند. اوج این‌گونه کنش‌ها زمانی است که جسد درون قبر گذاشته و کفن از صورت متوفی کنار زده می‌شود و بازماندگان آخرین فرصت دیدن عزیز خود را دارند. درواقع، آیین‌های «همزمان»<sup>۳</sup> که در مدل جوامع فاقد نظام اداری-سازمانی با تناوب و طی چند مرحله (نمودار ۱) انجام می‌گرفت، وجود ندارد و فقط در مرحله آخر آیین‌های تدفین مشاهده می‌شود.

۱. هرچند فضای ملاقات با جسد بسته شد، برخی از بازماندگان همچنان معتقد بر تطهیر جسد خود، خواندن قرآن در هنگام تطهیر و همراهی آن هستند؛ بنابراین، با همراهی سازمان بهشت‌زهره یک سالن ویژه به نام «سالن تبرعی» به سالن تطهیر اضافه شد تا بازماندگان بتوانند کماکان جسد را همراهی کنند.

۲. به‌دلیل تعدد انجام‌دادن آیین‌های مرگ در بهشت‌زهره و برای بهبود حال بستگان و زودتر انجام‌گرفتن آیین‌ها، مداح‌های حاضر در آنجا مراسم سوگواری را با سرعت انجام می‌دهند. به‌عبارتی، مداحی تنها برای ناقص‌نماندن آیین‌های مرگ انجام می‌گیرد و کارکرد قبلی خود را از دست داده است.

۳. مفهوم «آیین‌های همزمان» یا Simultaneous Rituals یعنی از زمانی که بدن به جسد تبدیل می‌شود، آیین‌های وابسته به جسد در راستای آیین‌های مرتبط با تدفین آغاز به شکل‌گیری می‌کنند؛ یعنی همزمان با شکل‌گیری این آیین‌ها (بستن چشم و بدن متوفی، تطهیر، تکفین و...) کنش‌های عاطفی و فیزیکی اعم از شیون، گریه، هم‌آغوشی با نزدیکان و قرآن‌خوانی، پوشش لباس با نظام معنایی وابسته به آیین‌های مرگ و برخی مستحبات در قبال جسد نیز انجام می‌گیرد و ما آن را «آیین‌های همزمانی» می‌نامیم و تأکید ما در اینجا بر کنش‌های عاطفی و فیزیکی بازماندگان است.



نمودار ۱. کنش عاطفی-فیزیکی میان بازماندگان و جسد در بازه زمانی پنجاه ساله، ایران

۱. کنش عاطفی- فیزیکی در الگوهای سنتی روستاها

۲. کنش عاطفی- فیزیکی در الگوهای سنتی شهرها؛ شیراز و اصفهان

۳. کنش عاطفی- فیزیکی در الگوی مدرن کلان‌شهرها؛ تهران، بهشت‌زهره

منبع: نگارنده، ۱۳۹۴

### توسعه منطق بوروکراتیک آیین‌های تدفین

براساس مباحث یادشده، همچنین طبق آمار و ارقام سازمان از دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ و رشد روزافزون مرگ در کلان‌شهر تهران تا تعداد میانگین ۱۵۰ نفر متوفی در روز، این گورستان و به عبارتی این سازمان در یک دوره توسعه قرار گرفته است. درواقع، گورستان قدیمی بهشت‌زهره با ساخته شدن چندین ساختمان از جمله ۱. اداری، ۲. معاونت، ۳. عروجیان، ۴. مرکز پشتیبانی، حمل‌ونقل و موتوری به یک نهاد سازمانی تغییر ماهیت یافت. در این نهاد سازمانی یک مدیر ارشد، یک قائم‌مقام و شش معاون، در شاخه‌های ۱. معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی؛ تعیین الگوی سازمانی و شرح وظایف کارکنان، ۲. معاون امور فرهنگی و اجتماعی؛ انجام‌دادن برنامه‌های مناسبتی مانند سالگرد ارتحال آیت‌الله خمینی، هفته دفاع مقدس و دیگر رویدادها، ۳. معاون عروجیان؛ انجام‌دادن و برگزاری مناسک خاکسپاری، ۴. معاون خدمات شهری؛ ساخت‌وساز و فضای سبز گورستان، ۵. معاون اداری و مالی؛ تخصیص بودجه، امور مالی سازمان و ۶. به صورت سلسه‌مراتبی و تخصصی درحال فعالیت‌اند. هریک از این معاونت‌ها شاخه‌های کوچک‌تر و بخش‌های متعددی دارند.

مدیریت و برنامه هدفمند ساختمان عروجیان انجام‌دادن تطهیر، تکفین، نماز و سپس خاکسپاری است. مدیریت این مکان با توجه به ضوابط و آیین‌نامه‌های متعدد شکل گرفته است. همچنین، همه افراد حاضر در این فضا به دلیل تخصصی شدن حرفه‌ها، دوره‌های آموزشی مختلفی دیده‌اند یا به صورت دوره‌های آموزش‌های متعددی می‌بینند. مدیریت نیز در این راستا آموزش دیده است.

تخصصی شدن و تقسیم کار با نظام عقلانی بوروکراسی در یک راستا و وجود هریک از آن‌ها، در جوامع شهری مبتنی بر پیچیدگی، مستلزم دیگری است: تقسیم کاری که دورکیم شرط لازمه توسعه فکری و مادی در یک جامعه و سرچشمه تمدن می‌نامد (دورکیم، ۱۳۹۲: ۵۲). پس هرچه این نظام‌های شهری به‌واسطه مواجهه با پدیده مدرن پیچیده‌تر شوند، رفتارهای مردم در جامعه نیز پیچیده‌تر می‌شود. در نتیجه، کارهایی که در گذشته به‌سادگی انجام می‌گرفت، اکنون نیازمند درک صحیح، آگاهی و در مواردی نیازمند آموزش و راهنمایی است. مدیریت چنین فضایی، که بیشتر افراد در یک شرایط حزن‌انگیز و احساسی قرار دارند، با رویکرد سنتی بسیار دشوار است. ده‌ها هزار نفر در یک مکان جمع شده‌اند تا مناسک مذهبی عزیزان خود را انجام دهند. انجام دادن صحیح این مناسک، به‌واسطه جهان‌بینی دینی، بر هر چیز دیگری واجب است. پیچیدگی‌های سازمانی-اداری منجر شده است که تک‌تک افراد داغدار حاضر در این مکان برای انجام دادن مناسک به آگاهی، همراهی و آموزش نیاز داشته باشند. در نتیجه، شکل‌گیری یک نظام عقلانی مبتنی بر تخصصی شدن و تقسیم کار در راستای انجام دادن مناسک دینی وابسته به مرگ از الزامات این نظام شهری مبتنی بر پیچیدگی است. براین اساس، سازمان بهشت‌زرها و دراصل معاونت عروجیان با زیرمجموعه‌های ۱. سالن پذیرش، ۲. سالن‌های تطهیر و تکفین، ۳. سالن نماز، ۴. مرکز آمبولانس تشییع، ۵. قطعه خاکسپاری و انجام دادن آیین تلقین متوفی، در انجام دادن صحیح این اقدامات برای نظام شهری خود می‌کوشند. همچنین، هریک از این بخش‌ها از زیرمجموعه‌های کوچک‌تر و با تخصص‌های بیشتری تشکیل شده‌اند که به انجام دادن سریع مناسک، با توجه به حجم زیاد مراجعه‌کنندگان کمک می‌کنند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

### مجموعه عروجیان؛ تقسیم اجتماعی و فضایی

مجموعه عروجیان که در گذشته با نام «سالن متوفیات» مشکل از تطهیرخانه زنان و مردان وجود داشت، از ابتدای دهه ۱۳۹۰ فعالیت خود را آغاز کرده است. عروجیان فضایی است که در آن آیین‌های خاکسپاری انجام می‌گیرد. از زمان فعالیت گورستان بهشت‌زرها، مردم متوفیان خود را طی اقداماتی ساده و فقط با پذیرشی کوتاه به خاک می‌سپردند، اما در حال حاضر با توجه به پیچیدگی‌های یادشده، آیین‌های وابسته به جسد در این مکان در تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر، دقیق‌تر و تخصصی‌تر صورت می‌گیرد.

عروجیان از نظر جغرافیایی در ضلع شرقی و میان قطعه‌های عمومی ۲۵۸، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۰۱، ۲۰۰، ۶ و ۴ قرار گرفته است. این مجتمع که ساخت آن برگرفته از معماری اسلامی است، در

چندین ساختمان مرتبط با هم توسط فردی متخصص با نام «مباشر»<sup>۱</sup> انجام می‌شود. مباشر و حضور آن دالی است بر بخشی از پیچیدگی‌هایی که در نظام شهری، به‌واسطه مدرن‌شدن شهر در چگونگی برگزاری مراسم تدفین به‌وجود آمده است. مباشر<sup>۲</sup> که آموزش‌های مورد نیاز در زمینه چگونگی ارتباط با بازماندگان متوفی را آموخته است، پس از سلام و عرض تسلیت به آن‌ها، در روند انجام‌دادن امور اداری در چندین ساختمان آن‌ها را راهنمایی و همراهی می‌کند. ساختمان‌هایی که امور اداری در آن انجام می‌گیرند عبارت‌اند از:

۱. سایت اداری مرکز پذیرش عروجیان که در چهار بخش کوچک‌تر امور ابتدایی آیین تدفین

را انجام می‌دهد.

۱-۱. دریافت مجوز فوت از اطلاعات سایت رایانه‌ای متوفیات.

۱-۲. ثبت اطلاعات متوفی در سایت رایانه‌ای توسط کاربر (اپراتور) و دریافت صورت‌حساب

فیش بانکی.

۱-۳. پرداخت صورت‌حساب به بانک مستقر در واحد پذیرش و تحویل به کاربر.

۱-۴. دریافت برگه شست‌وشو، برگه تابلوی موقت، برگه ترمه و سایر خدمات و برگه رایانه‌ای

به‌منظور دفن و ابطال شناسنامه از طریق نمایندگی ثبت احوال مستقر در سالن.

۲. تحویل برگه شست‌وشو و خلعت<sup>۳</sup> به سالن تطهیر: سالن تطهیر پس از دریافت برگه

شست‌وشو جسد را از سردخانه به تطهیرخانه منتقل می‌کند. تطهیرخانه به دو بخش زنانه و مردانه

تقسیم شده است. علاوه‌براین، هر قسمت از دو بخش، یکی سالن عمومی تطهیر و دیگری سالن

تبرعی تطهیر تشکیل شده است که سالن دوم امکان همراهی بازماندگان با جسد را میسر می‌کند.

در سالن تطهیر عمومی، که تقریباً تمام اجساد در آنجا تطهیر می‌شوند، یک تقسیم‌کار مبتنی بر

۱. مباشر از متخصصانی است که تقریباً از سال ۱۳۹۰ به سیستم بورکراتیک‌شده بهشت‌زهرای تهران اضافه شده است. مباشر به فردی گفته می‌شود که وظیفه صفر تا صد برپایی آیین تدفین را براساس الگوی موجود در سنت دینی بر عهده دارد. این متخصص می‌کوشد به مشارکت‌کنندگان در آیین تدفین کمک کند تا مواجهه‌ای صحیح و خارج از آشفتگی با متوفای خود داشته باشند. به‌عبارتی، درگذشته ما با یک تقسیم‌بندی کوچک و غیرتخصصی شامل غسل (تطهیرکننده)، روحانی و قبرکن (خاکسپار) روبه‌رو بوده‌ایم، ولی امروزه با سازمانی شدن گورستان، به جای یک تقسیم‌بندی کوچک و غیرتخصصی با یک تقسیم‌بندی بزرگ و کاملاً تخصصی و آموزش‌دیده مواجه‌ایم (نمودار ۲، ۳، ۴، ۵).

۲. الیکایی، روح‌الله، مباشر کیست؟، [مصاحبه: هاجر قربانی]، اردیبهشت ۱۳۹۴.

سلیمی، مسعود، مباشر کیست؟، [مصاحبه: هاجر قربانی]، اردیبهشت ۱۳۹۴.

قهرمانی، حجّت، مباشر کیست؟، [مصاحبه: هاجر قربانی]، اسفند ۱۳۹۳.

موسوی، مباشر و فرآیند اداری-سازمانی، [مصاحبه: هاجر قربانی]، اردیبهشت ۱۳۹۴.

۳. همان کفن است؛ پوشش و جامه مردگان که از پارچه سفید بدون استفاده از طلا و نقره و دیگر تزیینات تشکیل می‌شود.



تخصص وجود دارد. برای هر جسد چهار تطهیرکننده، که بین آن‌ها سلسله‌مراتبی وجود دارد، در نظر گرفته شده است. این سلسله‌مراتب عبارت‌اند از: سر‌تطهیرکننده، دو کمک تطهیرکننده و خلعت‌بر. به این چهار نفر باید یک ناظر شرعی که بر امور فقهی جسد نظارت دارد نیز اضافه کرد. تمام این افراد زیر نظر شخصی به نام سرپرست تطهیرخانه آیین‌های مرگ را با دقت انجام می‌دهند.<sup>۱</sup> این همان تقسیم کار کاملاً تخصصی و مبتنی بر عقلانیت است که در یک نظام مدرن شهری در نظریات متفکران علوم اجتماعی بیان شده است.

۳. تحویل برگه واحد تابلوی موقت سر مزار و دریافت تابلو.

۴. تحویل برگه ترمه و سایر خدمات به غرفه‌های مخصوص به‌منظور دریافت خدمات مورد نظر.

۵. دریافت متوفی از سالن تطهیر و برپایی نماز: دفتر روحانیت محل حضور روحانیون است؛ البته روحانیونی که خواندن و برپایی نماز متوفی را بر عهده دارند. در واقع، روحانی‌ای که در تطهیرخانه نظارت دارد و روحانی‌ای که در حسینیه عطر یاس واقع در مجموعه عروجیان مشغول به کار است، در دفتر یادشده حضور ندارد. در این محل، روحانی‌ای حاضر است که در یک تقسیم کار فقط موظف به برپایی آیین نماز در سالن نماز میت، پیش از انتقال به محل خاکسپاری است.

۶. تحویل متوفی به آمبولانس مخصوص به‌منظور انتقال جسد به سمت مزار.

۷. حضور مداح و انجام‌دادن آیین تلقین توسط او.

۸. خاکسپار.<sup>۲</sup>

همان‌طور که گفته شد، در الگوی سنتی برگزاری تمام آیین‌ها بر عهده خانواده و محدود به یک یا دو نفر بود. همچنین، در بستر این مدل جوامع بازماندگان بر چگونگی انجام‌دادن این آیین‌ها واقف بودند و در زمان انجام‌دادن این فرایند به تخصص نیازی نبود. این مسئله از لحظه وقوع مرگ تا پایان خاکسپاری قابل مشاهده است. در گذشته، فرایندهای اداری-سازمانی خاکسپاری امروزه برای جسد وجود نداشت. نه جسد از فضای خانه دور می‌شد و نه افرادی از سوی سازمانی متعهد به انجام‌دادن تمام آیین‌های وابسته به جسد بودند. حتی از نظارت فقهی، حضور فناوری و فردگرایی خبری نبود. جسد توسط خانواده در حیاط خانه (مشاهده شخصی) یا در کنار بستر

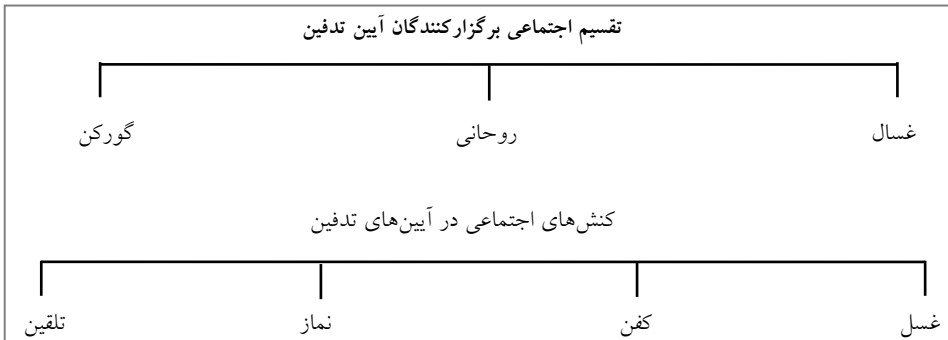
۱. شاکری، تطهیرزنان، [مصاحبه: هاجر قربانی]، مرداد ۱۳۹۴.

نصراللهی، آیین تطهیر، [مصاحبه: هاجر قربانی]، مرداد ۱۳۹۴.

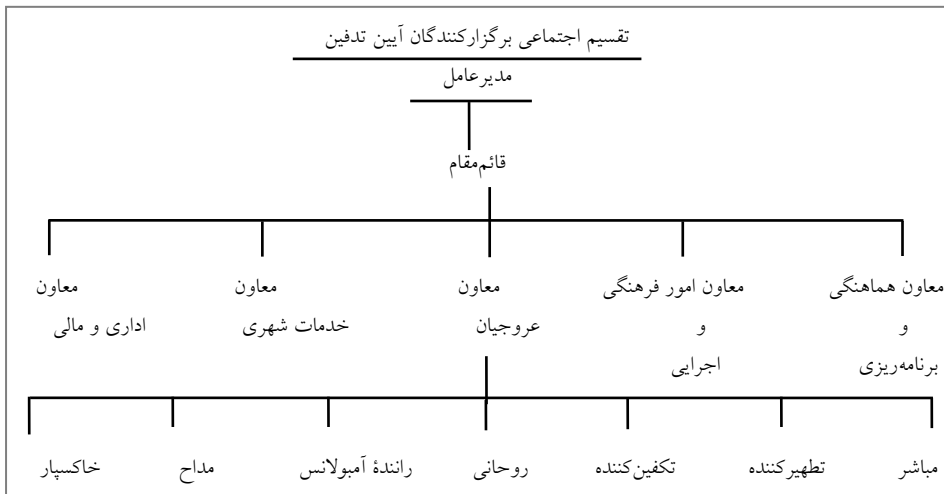
نیک‌مرام، رضا. تطهیرکننده کیست؟ [مصاحبه: هاجر قربانی]، مرداد ۱۳۹۴.

۲. در گذشته، به خاکسپار اسامی ویژه‌ای همچون «گورکن» و «قبرکن» اطلاق می‌شد. این شغل از جمله شغل‌هایی محسوب می‌شود که در جامعه ایرانی مطرود مانده است.

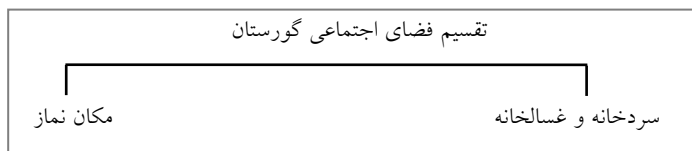
رودخانه تطهیر، تکفین و تدفین می‌شد، درحالی‌که در دوران معاصر جوامع از قالب سنتی خود خارج شده‌اند و در بستری جدید یا «مدرن» حضور دارند. در این دوران، پس از واقعه مرگ، جسد طی فرایندهای اداری-سازمانی از فضای خانه خارج و برای خاکسپاری به سازمان بهشت‌زهرا منتقل می‌شود. این سازمان است که با در نظر گرفتن یک تقسیم کار تخصصی تمامی امور مرتبط با جسد را انجام می‌دهد (نمودار ۲ و ۳). طی انجام دادن این امور فناوری، علم و اقتصاد ظهور می‌کنند تا یک جسد به خاک سپرده شود. ظهور این عوامل در چنین بستری نتایج بوروکراتیک شدن مرگ برای تسهیل انجام دادن آیین‌های آن در نظام شهری تهران است.



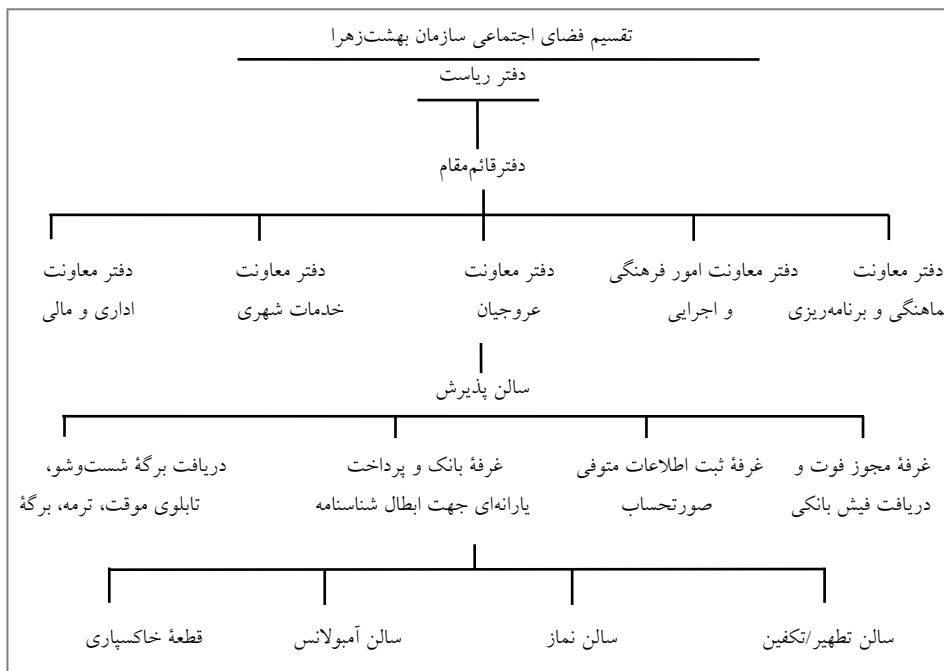
نمودار ۲. تقسیم اجتماعی و فضایی گورستان‌ها، الگوی جوامع سنتی



نمودار ۳. تقسیم اجتماعی و فضایی گورستان‌ها، الگوی جوامع مدرن



نمودار ۴. تقسیم فضای گورستان الگوی جوامع سنتی



نمودار ۵. تقسیم فضای سازمان بهشت زهرا، الگوی جوامع مدرن

## بحث و نتیجه‌گیری

آیین‌های مرگ مواجهه انسان را با پدیده مرگ هموار می‌کنند. این آیین‌ها در هر جامعه‌ای با توجه به نوع فرهنگ آن متفاوت برگزار می‌شود. تغییرات فرهنگی یکی از عوامل مؤثر در تغییر چنین آیین‌هایی است. در ایران نیز به دلیل تغییرات نیم‌قرن اخیر و ورود مدرنیته و شهری شدن جامعه، شاهد دگرگونی‌هایی در زمینه پدیده مرگ و برگزاری آیین‌های مرتبط با آن بوده‌ایم. افزایش جمعیت در نظام شهری تهران تعداد مرگ‌ومیر را افزایش داده و سیستم خاکسپاری سنتی دیگر پاسخگوی نیازها نبوده است. همان‌طور که تراکم زنده‌ها پیامدهای اخلاقی دارد، تراکم مردگان نیز

پیامدهای اخلاقی و اجتماعی مختلفی داشته است. مردگان نیز هنوز اعضای جامعه‌اند، پس هرچند در سنت دورکیمی مردگان عضو اجتماعی تعریف نشده‌اند، اجتماع مردگان در گورستان‌ها بسیار مهم بوده و پیامدهایی نیز داشته است.

در گذشته، متوفی در محیط‌های سنتی روستایی و شهری کوچک، با همراهی و مشارکت بازماندگان در آیین‌های وابسته به جسد، یعنی تطهیر و تکفین و بدون انجام دادن هیچ‌گونه تشریفات اداری-سازمانی به خاک سپرده می‌شد. در پی تغییراتی که به واسطه مدرن‌شدن جامعه و شهری شدن آن صورت گرفته است، دیگر برای بازماندگان امکان همراهی و مشارکت وجود ندارد. این انفصال در کنش‌های فیزیکی-عاطفی تحت تأثیر تراکم زیاد مردگان و لزوم سازمانی شدن و به عبارتی بوروکراتیک شدن آیین‌های مرگ است. این انفصال عدم ارتباط فیزیکی کنشگران (بازماندگان) با جسد است؛ عدم ارتباط فیزیکی‌ای که در تمام مراحل آیین‌های تدفین، یعنی از ابتدای مرگ تا زمان خاکسپاری مشاهده می‌شود. همچنین، این انفصال فیزیکی به کاهش کنش‌های عاطفی کنشگران در برابر جسد منجر می‌شود. به بیان دیگر، در گذشته تجربه مرگ تجربه‌ای جمعی با حجم انبوهی از کنش‌های احساسی و بار عاطفی بالا بود و اعضای خانواده آیین‌های وابسته به جسد را برگزار می‌کردند که در میان آن دائم انفجارهای عاطفی شدیدی رخ می‌داد.

همچنین، در پی مواجهه جامعه سنتی با پدیده مدرن، گورستانی که تا پیش از این در شکل محلی فعالیت داشت به خارج از شهر تهران منتقل و به یک سازمان تبدیل شده است. این سازمان از گورستان بهشت‌زهرها به سازمان بهشت‌زهرها تغییر ماهیت یافت که دیگر تدفین‌های عمومی در قطعات متفاوت انجام می‌گیرد و در شکل طبقه‌بندی اجتماعی در فضای سازمانی تجلی یافته است. این سازمان نیز با توجه به ویژگی‌های سازمانی در دنیای مدرن از مؤلفه‌هایی همچون عقلانیت، علمی شدن (یعنی مدیریت)، بهداشت و فناوری استفاده کرده است که نشان‌دهنده تخصص‌گرایی در امور وابسته به مرگ هستند. به عبارتی، تحولات آیین‌های مرگ در پی حذف شدن برخی از آن‌ها و اضافه شدن دیگر عناصر به این مسئله منجر شده است که افراد جامعه با یک تجربه جدید مرگ مواجه شوند که ناشی از تجربه‌ای مدرن در فرهنگ ایرانی است. در واقع، ما به واسطه تجدد یا همان مدرن‌شدن فرهنگ ایرانی با تحولات بخشی از فرهنگ-در عین ثبات بخش‌هایی از آن- مواجه‌ایم. در این میان، هرچند مبانی فقهی و شرعی آیین‌های مرگ تغییر نکرده است، به دلیل بوروکراتیک شدن، بعد اجرایی آیین‌ها و براین اساس نحوه تجربه ما از آیین‌های تدفین، تجربه اجتماعی و عاطفی و درونی و حتی نحوه درک ما از مفهوم مرگ یا مرده (مرده‌ای که دیگر به ندرت دیده می‌شود؛ زیرا فرایند سازمانی شدن آیین‌های تدفین، متوفی

را از برابر دیدگان تعداد زیادی از وابستگان پنهان کرده است) به‌طور عمیق متحول شده است. در نتیجه، آیین‌های تدفین بیش از آنکه به تداوم الگوهای سنتی منجر شوند، در بستر توسعه شهری و تحولات ارگانیک جامعه آن بستری برای تحول بوده‌اند. به‌عبارت دیگر، سازمان بهشت‌زرها شیوه‌ها و آیین‌های جدید تدفین الگوهای جدیدی از تجربه مفهوم مرگ و مواجهه با آن را ایجاد کرده است که در عمل متأثر از منطق بوروکراتیک‌شدن فضای تدفین و مقدمات و مؤخرات آن است. براین‌اساس، در پژوهش‌های بعدی می‌توان این تحول در فرم‌ها و محتواها و کارکردهای آیینی در بستر کلان‌شهر تهران و پیامدهای آن را مطالعه کرد و نشان داد که چگونه از خلال این تحولات آیینی با تحولات تجربه‌های فرهنگی مواجه می‌شویم و چگونه آیین‌ها بستری برای نوآوری فرهنگی می‌شوند.

## منابع

- آریس، فیلیپ (۱۳۹۲)، *تاریخ مرگ؛ نگرش‌های غربی مرگ از قرون وسطی تا کنون*، ترجمه محمدجواد عبداللهی، تهران: نشر علم.
- پورناصرانی، رضا، سازمانی‌شدن گورستان بهشت‌زها، [مصاحبه: هاجر قربانی]، آبان ۱۳۹۴.
- تابعی، ملیحه (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی پدیداری مرگ (پدیدارشناسی تجربه معنای مرگ)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.
- زمانی مقدم، مسعود (۱۳۹۳)، *دین‌باوری و نگرش به مرگ: مطالعه نمونه‌ای از دانشجویان با روش نظریه زمینه‌ای*، دانشگاه آزاد اسلامی کرج.
- سادات اشکوری، کاظم (۱۳۹۱)، *پژوهش مقدماتی در سه روستای شمال ایران*، کرمان: انتشارات هزار کرمان.
- شاکری، تظهیرزان، [مصاحبه: هاجر قربانی]، مرداد ۱۳۹۴.
- صبوری، منوچهر (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، تهران: نشر شب‌تاب.
- علیزاده اقدم، محمدباقر و ایزدی جیران، اصغر (۱۳۹۱)، «مناسک امانت؛ آشوب مرگ و آرامش سفر در کشکسرای مرند»، تهران: *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، شماره ۱: ۳۹-۶۰.
- کارگر، محمد، مدیریت و برنامه‌عروجیان، [مصاحبه: هاجر قربانی]، مهر ۱۳۹۴.
- معقولی، نادیا و طاووسی، محمود (۱۳۸۷)، «مرگ و آیین‌های مربوط به آن در دوران باستان»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۳: ۱۵۰-۱۶۷.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳)، *تجربه تجدد*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- کریمی، مرتضی (۱۳۸۷): «مرگ و مردن به‌عنوان معقولاتی فرهنگی»، پژوهش در فرهنگ و هنر، شماره ۱: ۹۱-۱۰۱.
- کوزل، لیونیس (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۹۲)، اندیشه‌های بنیادین در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لوفور، کلود و کاستوریادیس، کورنلیوس (۱۳۸۹)، بوروکراسی چیست؟، ترجمه امین قاضی، تهران: چشمه.
- نیک‌مرام، رضا، تطهیرکننده کیست؟ [مصاحبه: هاجر قربانی]، مرداد ۱۳۹۴.
- وبر، ماکس (۱۳۹۳)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات سمت.
- وبر، ماکس (۱۳۹۲)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- همایونی، صادق (۱۳۵۳)، گوشه‌هایی از آداب و رسوم مردم شیراز، شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر اسلامی.
- همیلتون، ملکوم (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- Bergman, L. (2010), **Religion, Death and Dying**, Santa Barbara. California's ABC-CLIO, LLC.
- Bowker, J. (1993), **The Meaning of Death**, Cambridge University Press.
- Cassell, Dana K. Salinas, Robert C. Winn, Peter A. S. (2005), **The Encyclopedia of Death and Dying**, New York: Facts on File.
- Davies, D. J. (2002), **Death, Ritual and Belief**, London, New York: Continuum.
- Inglehart, R. and Welzel, C. (2005), **Modernization, Cultural Change and Democracy**, New York: Cambridge University Press.
- Noys, B. (2005), **The Culture of Death**. Oxford, UK: Berg.
- Prior, L. (1989), **The Social Organization of Death**, Basingstoke Macmillan.
- Robben, A. C. G. M. (2004), **Death, Mourning and Burial: A Cross-Cultural Reader**. USA, UK, Australia: Blackwell Publishing.
- Trompette, P. (2008), **Le Marché des Défunts**, Paris: Presses de Sciences Po.
- Walter, T. (1999), **On Bereavement: The Culture of Grief**, Buckingham, UK: Open University Press.
- ——— (2008), **The Sociology of Death**, UK: Journal Compilation, Blackwell: 317-336.
- ——— (2012), "Why Different Countries Manage Death Differently: A Comparative Analysis of Modern Urban Societies", **British Journal of Sociology**, No. 63, Vol. 1: 123-45
- ——— (2013), **Eighteen Ways to View a Dead Body**, In Venbrux, E., Quartier, T., Venhorst, C., Mathijssen, B. (eds), *Changing European Death Ways*, Zurich: Lit: 71-84.
- ——— (2014), **Organization and Death – A View from death studies**, UK. Culture and Organization: 68-76.
- ——— (2015) **Secularization, in Death and Bereavement across Cultures**, In Parkes, C. M. & Young, W. (eds), London: Routledge. (pp 133-48-87).